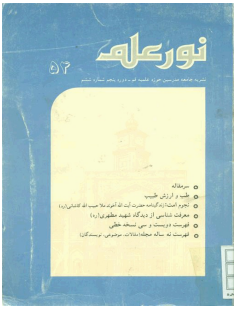

نجوم امت۹ آیت الله العظمی بروجردی

پدیدآورنده (ها) : دفتر مجله

علوم قرآن و حدیث :: نشریه نور علم :: آبان ۱۳۶۴ - شماره ۱۲

صفحات : از ۸۵ تا ۹۹

آدرس ثابت : https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2451

دانلود شده توسط : محمد باقری صدر

تاریخ دانلود : ۱۴۰۱/۱۱/۰۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائهٔ مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

مقالات مرتبط

- نکته های نو در علم اصول فقه
- سیری در «فرائد الاصول»
- دروغ پردازان در حوزه حدیث شیعه
- خطابات قانونیه
- الزامات توسعه شهر از درون، مورد مطالعاتی: شهر بروجرد
- روش شناسی شیخ مفید
- شروط تنجّز علم اجمالی از نگاه شیخ انصاری رحمه الله علیه و میرزای نائینی رحمه الله علیه
- محمد بن ابی عمیر
- مراتب حکم از دیدگاه محقق خراسانی قدس سره
- نکاح معاطاتی
- شیخ انصاری و اصول کاربردی

عناوین مشابه

- آغاز اختیارات نجوم ابو المفاخر اصفهانی، نسخه شماره (۱۱۰۸۰) کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی
- کتاب ابوالمفاخر بن ابوالعلا اصفهانی در اختیارات نجوم از قرن هفتم (طرح معرفی دستنویس های نفیس فارسی در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی - ۱)
- پیشگامان تقریب: روان شناسی سیاسی حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رحمه الله)
- گزارش فرایند برگزاری دومین جشنواره حدیثی آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله
- نجوم امت ۲۲(زندگانی مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی)
- نجوم امت ۳۷- آیت الله العظمی شیخ محمد حسین غروی اصفهانی
- در گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین سید محمدرضا احمدی بروجردی درباره جایگاه و عملکرد مرحوم آیت الله العظمی بروجردی مطرح شد؛ آیت الله بروجردی در مسائلی که روشن نبود دخالت نمی کرد
- گزارشی از«دفتر اجازات»آیت الله العظمی بروجردی
- روش تقریبی و کلامی آیت الله العظمی بروجردی
- آثار علمی آیت الله العظمی بروجردی

www.noormags.ir

نجوم امت ۹

آیت الله العظمی حاج آقاحسین طباطبائی بروجردی

(رضوان الله تعالی علیه)

ولادت و تحصیل:

مرحوم آیت الله العظمی بروجردی از سادات طباطبائی بروجرد، و پدرش عالم بزرگوار مرحوم حاج آقا علی طباطبائی بروجردی و مادرش از نواده ملامحمدتقی مجلسی (متوفای ۱۰۷۰) رحمة الله علیه بوده است.او در شهرستان بروجرد در ماه صفر سال ۱۲۹۲ هجری دیده به جهان گشود.

مقدمات و مبادی علوم را در نزد علماء بروجرد و پدر بزرگوار خود فرا گرفت و به سال ۱۳۱۰ در حالی که ۱۸ ساله بود برای تکمیل تحصیلات، رهسپار اصفهان شد و علوم نقلی را از محضر حجج اسلام میرزا ابوالمعالی کلباسی (در گذشته به سال ۱۳۱۵ق)، مرحوم سید محمدباقر درچه‌ای (م۱۳۴۲) و مرحوم سید محمد تقی مدرس (م۱۳۱۹) و علوم عقلی را از محضر آخوند ملا محمد کاشانی (در گذشته به سال ۱۳۳۲) ومرحوم شیخ جهانگیرخان قشقائی (متوفای ۱۳۲۸) و دیگران فرا گرفت و در همان شهر در حالی که دارای مبنا بود به تدریس کتاب «قوانین الاصول» پرداخت.

هجرت به حوزه نجف:

پس از حدود ده سال توقف دراصفهان، برای فراگیری بیشتر، در سال ۱۳۲۰، حوزه اصفهان را به قصد حوزه نجف ترک گفت و به آنجا مهاجرت نمود.

در آن تاریخ محور تدریس و اقطاب علم در حوزه نجف، شخصیتهای بزرگی چون آخوند خراسانی (متوفای سال ۱۳۲۹) و سید محمد کاظم یزدی (متوفای۱۳۳۷)وشیخ الشریعه اصفهانی (متوفای ۱۳۳۹)، بودند. وی در طول اقامتش در نجف از محضر این آیات بهره‌ها برد و در سال ۱۳۲۸ در حالی که از آیت الله خراسانی و آیت الله شریعت اصفهانی به‌دریافت اجازه اجتهاد نائل گردیده بود به ایران مراجعت نمود ودر زادگاه خود (بروجرد) رحل اقامت افکنده به تدریس فقه و اصول و تصنیف و تألیف و انجام سایر وظائف شرعی پرداخت و در سال ۱۳۴۴ هـ.ق به حج مشرف شد و در بازگشت، حدود ۸ماه در نجف بماند و سپس در سال ۱۳۴۵ بعد از زیارت کاظمین علیهما السلام و سامره، از راه بصره به ایران مراجعت نمود که به دستور رضاخان دستگیر و مدتی در محل ستاد مشترک، تحت نظر بوده و آنگاه به صورت تبعید به مشهد مقدس فرستاده شد و بعد از پایان گرفتن زمان تبعید،به بروجردآمده و همچون گذشته به خدمتگزاری و انجام رسالتهای الهی مشغول شد و مرجع تقلید قسمتی از اهالی غرب و جنوب ایران و قسمتی از خراسان گردید.

www.noormags.ir

نفحه رحمانی:

آیة الله بروجردی در سال ۱۳٦٤ برای معالجه از بروجرد به تهران مسافرت کرد و در بیمارستان فیروزآبادی شهر ری مدت ۷۰ روز بستری شد و بعد از پایان یافتن عمل جرّاحی و عافیت، علمای بزرگ قم (و از آن جمله رهبرانقلاب،حضرت امام خمینی) و سایر اقشار و طبقات از محضر پرفیضش درخواست اقامت درقم را کردند تا با همکاری و همگامی سایر زعمای حوزه، سر پرستی و حفظ آن را به عهده بگیرند.

جناب ایشان به خواست علماء و مردم متدیّن قم پاسخ مثبت داده و در ۱٤ محرم ۱۳٦٤ هـ.ق به این شهر وارد شدند.

حوزه‌علمیه‌قم که به دست مرحوم آیة‌الله حائری یزدی تأسیس شد هنوز به رشد خود نرسیده بود که با ضربات سهمگین رضاخان مواجه گردید و چیزی نمانده بود که به کلی متلاشی شود اما فرار رضاخان و ضعف فرزندش در آغاز کار، فرصتی به مراجع عظام آن زمان (مرحوم آیت‌الله صدر، آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله حجت کوه کمری) داد که با تلاش‌فراوان،حوزه را از متلاشی شدن، حفظ نمایند، تا اینکه با ورود مرحوم آیت‌الله بروجردی به قم انسجام بیشتری یافت و سیر تکاملی خود را شروع کرد و روز به روز بر وسعت و پیشرفت آن افزوده شد .

بخشی از تألیفات ایشان:

ایشان، خود فرموده‌اند: زیاد چیز نوشته‌ام بعضی تمام، و قسمتی ناتمام و بعضی بر اثر نقل و انتقال از بروجرد به قم مفقود شده است.

اینک به ذکر نام برخی از آنها می پردازیم:

۱ ـ تجرید اسانیدالکافی.

۲ ـ تجرید اسانیدالتهذیب.

۳ ـ اسانید کتاب من لایحضره الفقیه.

٤ ـ اسانید رجال کَشّی.

۵ ـ اسانید استبصار.

www.noormags.ir

۶ ـ اسانید کتاب خصال شیخ صدوق.
۷ ـ اسانید کتاب امالی.
۸ ـ اسانید کتاب علل الشرایع صدوق.
۹ ـ تجرید فهرست شیخ طوسی.
۱۰ ـ تجرید رجال نجاشی.
۱۱ ـ حاشیه برکفایة الاصول. (این حاشیه رادرزمان حیات آخوند صاحب کفایه نوشته اند).
۱۲ ـ حاشیه بر نهایه شیخ طوسی.
۱۳ ـ حاشیه بر عروة الوثقی. (که به گفتهٔ صاحب اعیان الشیعه اولین حاشیه عروه است).
۱۴ ـ حواشی و مستدرکات فهرست شیخ منتجب الدین رازی. مرحوم سیّد محسن امین(ره) گوید: این کتاب حاکی از وسعت اطلاعات آن مرحوم در علم رجال است.
۱۵ ـ حواشی کتاب مبسوط شیخ طوسی (به انضمام کتاب قراض که درنسخه مطبوعه مبسوط چاپ نشده بود).
۱۶ ـ رساله ای راجع به سندصحیفه سجادیّه و حاوی پاسخ به اشکالاتی که بر سند آن وارد شده ونیز در این کتاب سلسله اجازات خود را نقل کرده اند.
۱۷ ـ بیوت الشیعة. پیرامون خاندانهای علمی و دینی شیعه.
۱۸ ـ اصلاح و مستدرک رجال شیخ طوسی.

تقریرات بحثهای فقه و اصول ایشان را برخی از شاگردان فاضل و دانشمندش نوشته اند مانند «نهایة الاصول» (مباحث الفاظ) و «البدرالزاهر فی صلوة الجمعة و المسافر» (در علم فقه) که حضرت آیت الله العظمی منتظری نوشته اند. و نهایة التقریر (دو جلد) که مشتمل بر تمام مباحث «صلوة» به استثنای صلوة جمعه و مسافر می باشد و توسط آیت الله حاج شیخ محمد فاضل موحدی لنکرانی وزبدة المقال درمباحث خمس توسط یکی دیگراز شاگردان ایشان حضرت حجة الاسلام والمسلین حاج سید عباس ابوترابی قزوینی تألیف شده است. و از خدمات علمی ایشان این بود که بسیاری از کتب علمی مخطوط و کمیاب حسب الأمر ایشان به طبع رسید که از جمله آنهاست قرب الاسناد حمیری، خلاف شیخ طوسی، جامع الرواة مرحوم اردبیلی،

www.noormags.ir

جعفریات علی بن جعفر، منتقی الجمان صاحب معالم، بعضی مجلدات مفتاح الکرامة.

ازخدمات ارزنده ایشان تألیف «جامع احادیث الشیعه» است که زیر نظر مستقیم آن مرحوم و با همکاری جمعی از فضلاء حوزهٔ علمیه قم در طول چند سال انجام پذیرفته است که ما داستان این عمل مفید و ارزشمند را با استفاده از نوشته یکی از اعضای این لجنه در اینجا نقل می کنیم:

حضرت آیت الله العظمی بروجردی یکروز درس فرمودند، من سالها در این فکر بودم که عالم بزرگوار جناب شیخ حر عاملی (رضوان الله علیه) با اینکه در تألیف این کتاب (وسائل الشیعة فی احکام الشریعة) بسیار زحمت کشیده اند (اجرشان بر صاحب شرع انور) مع هذا نواقصی دارد که باید برطرف شود و در بروجرد وسیله اش فراهم نبود و فعلاً چون در حوزه مقدسه، فضلا و مدرسین زیاد هستند لذا با تأییدات خداوند متعال و عنایات خاصه حضرت بقیة الله الاعظم امام زمان (عج) و کمک عده ای از فضلاء «قربة الی اللهِ وطلباً لمرضاته» می خواهم حتی المقدور آن نقائص و نواقص برطرف شود که فقهاء و مجتهدین عظام در حین استنباط احکام شرعی کتابی کامل تر و جامع تر از وسائل در اختیار داشته باشند.

به دنبال این فرمایشات لجنه ای مرکب از گروهی از محققین و فضلاء ترتیب دادند و این جمع مدت ۸ سال با نظارت آن مرحوم بر روی کتاب وسائل کار کردند و بحمدالله تألیف این کتاب که حدود ۲۰ جلد است در زمان حیات ایشان پایان پذیرفت و تاکنون ۱۲ مجلد آن چاپ و منتشر گردیده است.

خدمات دیگر:

و همچنین آیة الله العظمی بروجردی به خدمات فراوانی ازجمله ساختن مساجد و مدارس و کتابخانه های فراوانی توفیق یافت، که شرح و تفصیل آنها در گنجایش این مقاله نیست.

بهتر است برای بیان بخشی از خدمات ایشان از نوشته یکی از شاگردان ارجمند معظم له استفاده کنیم.

□ □ □

مرحوم آیت‌الله شهید مطهری که سالها از محضر پرفیض آن مرد بزرگ بهره‌مند گشته در بارهٔ استاد خود چنین نگاشته‌اند: ناگفته نماند که گفتار استاد مطهری با تغییر اندک نقل می‌گردد.

یکی از مزایای برجسته معظم له سبک و روش فقهی ایشان بود که شایسته است پیروی شود و فراموش نگردد. این بنده در مدت هشت سال آخر اقامتم در قم که مصادف بود با سالهای اوّل ورود معظم له به آن شهر از درسهای ایشان بهره‌مند می شدم، و چون به روش فقاهت ایشان ایمان دارم معتقدم که باید تعقیب و تکمیل شود. آنچه در این گفتار می شود خلاصه کرد، مقایسه مختصری است بین روش فقهی ایشان و روش فقهی متأخرین در قرون اخیر، و برای این مقصود یک مقدمه کوچک ذکر می کنم:

باید دانست که روش فقهی فقهاء همه یکسان نبوده، اسلوبهائی متفاوت در اجتهاد و فقاهت در اسلام پدید آمده است، هم در میان اهل سنّت و جماعت روشها و اسلوبهای مختلف به وجود آمده و هم در میان خود ما، اسلوب فقهی ما تدریجاً تنوع پیدا کرده و مختلف شده بطوری که به دوره‌های مختلف تقسیم می گردد، خود معظم له که به تاریخ فقه آشنا بودند و اسلوبهای مختلف فقهی را می شناختند و یکی از مزایا و امتیازاتشان همین آشنائی با روشهای مختلف فقهی شیعه و سنی بود، فقه را تقریباً به چهار دوره تقسیم می کردند به این ترتیب:

۱ ـ دوره ماقبل شیخ طوسی.

۲ ـ از زمان شیخ طوسی تا قرن دهم که تقریباً مقارن با زمان شهید ثانی است.

۳ ـ از زمان شهید ثانی تا یک قرن اخیر.

٤ ـ یک قرن اخیر.

بحث در این دوره‌ها و بیان تغییراتی که در هر دوره نسبت به دوره قبل پیدا شده خود موضوع کتاب مستقلی است. در اینجا مقایسهٔ مختصری بین روش معظم له و روشی که در یک قرن اخیر معمول شده به عمل می آوریم.

فقها و اصولیین در مبحث اجتهاد و تقلید و یا در مبحث قضا و شهادات چندین علم را نام می برند که مقدمهٔ اجتهاد شمرده می شوند، می گویند شخص مجتهد باید این علوم را طی کرده باشد، این علوم عبارت است از: نحو، صرف، لغت (معانی بیان) منطق، کلام، اصول، تفسیر،

www.noormags.ir

حدیث، رجال (یعنی معرفت به احوال رواة احادیث).

متأخرین یعنی از یک قرن پیش به این طرف این چنین معتقد شده و در کتب خود تصریح کرده اند که آن چیزی که عمده ومهم واساس است علم اصول است. ولهذا عملاً چندان توجهی به سایر علوم نمی کنند و بلکه بعضی از آن علوم یعنی تفسیر و حدیث و معرفت رجال حتی به طور مختصر هم تدریس نمی شود زیرا به عقیدهٔ متأخرین دانستن مقداری ادبیات عرب کافی است که درموقع لزوم به تفسیر آیه قرآن رجوع شود لزومی ندارد که مجتهد قبلاً باتفسیرقرآن آشنا باشد همچنین حدیث ومعرفت رجال واسناد احادیث، زیرا به عقیدهٔ متأخرین، درعلم اصول حجیّت خبر واحدِ صحیح، ثابت شده واز طرفی بعضی از علماء (مانند علاّمه مجلسی در کتاب مرآت العقول نسبت به احادیث کافی) این زحمت را متحمل شده‌اند و احادیث صحیح را از غیر صحیح جدا کرده‌اند و در دسترس قرار داده‌اند پس لزومی ندارد برای شناختن حدیث صحیح از غیر صحیح صرف وقت بشود. روی این جهات عادی جاری فعلی این است که طلاب بعد از مختصری ادبیات عرب و منطق، به خواندن اصول فقه می پردازند و ثقل کار خود را روی این علم می اندازند و ضمناً به خواندن خود فقه مشغول می گردند تا آنکه خودشان به مقام اجتهاد نائل می گردند.

و چون اخیراً کتابهای فقهی مفصل و جامعی نیز نوشته شده که بعضی از نظر نقل اقوال فقها جامعیت دارند مثل مفتاح الکرامه سیّد جواد عاملی و بعضی از نظر اشتمال برفروع وقوت استدلال جامعیّت دارند مثل جواهر الکلام شیخ محمد حسن نجفی و مصباح الفقیه حاج آقا رضا همدانی به عقیدهٔ متأخرین این کتب ما را از سایر کتب فقهیه بی نیاز می سازد، پس چندان لزومی ندارد که به سایر کتب فقهیهٔ هزار سال پیش مراجعه کنیم، پس برای یک فقیه بعد از تسلط کامل بر علم اصول، با در نظر گرفتن کتاب حدیث جامعی مانند وسائل و کتابهای فقهی جامعی مانند جواهر و مفتاح الکرامه کافی است که این چند کتاب را جلو خود بگذارد و به استنباط احکام الهی بپردازد.

البته این روش عمومی و نوعی است ولی همیشه افراد استثنائی پیدا می شوند که تمایلی به تفسیر یا حدیث یا معرفت رجال و یا فقه عامه و یا تاریخ نشان می دهند ولی معمولاً این امور

www.noormags.ir

کارهای لازمی شمرده نمی شود.

این نکته را نباید از نظر دور داشت که علم اصول فقه به وسیلهٔ علامهٔ محقق شیخ مرتضی انصاری اعلی الله مقامه الشریف که حقاً لقب خاتم المجتهدین در باره‌اش اغراق و مبالغه نیست، مخصوصاً در قسمتهائی مانند آنچه به نام «اصول عملیه» نامیده می شود، پیشرفت و ترقی شایانی کرده و تقریباً آن را به صورت یک علم نیمه معقول درآورده است و مباحثی جذاب وسرگرم کننده پیدا کرده است. میدان مسابقه و زورآزمایی و تمرین هوش و استعداد شده، هرچند از زمان شیخ به این طرف این علم جلو نرفته ـ با اینکه زمینه جلو رفتنش هست ـ ولی شاخ و برگ زیادتری پیدا کرده، روی هم رفته ترقی و کمالی در این علم پیدا شده و وسعت پیدا کرده و فضلاء و طلاب را به خود مشغول ساخته و همین جهت موجب شده که فضلاء طلاب از سایر شعب علوم اسلامی باز بمانند و مصداق شعر معروف شاعر عرب گردند:

اَلْـهَتْ بَنی تَغْلَبْ عَنْ کُلِّ مَکْرُمَةٍ قَصیدَةٌ قالَـهـا عَمْرُو بْنُ کُلْثُومَ

انصراف از سایر شعب علوم اسلامی از یک طرف و جذابیت و سرگرم کنندگی علم اصول از طرف دیگر، منشاء پیدایش عادتی در میان فضلاء واهل نظر شده که می توان نام آن را عادت «مسأله سازی» گذاشت، به این معنا که مسائلی را فرض و تخیل می کنند و در اطراف آن مسائل فرضی به بحث و مناظره می پردازند، و البته ممکن است در همهٔ عمر بشر چنین فرضی واقع نشود اما از نظر اعمال قواعد اصولی جالب است که ببینیم جای کدامیک از اصول چهارگانه: یعنی «برائت» و «احتیاط» و «تخییر» و «استصحاب» یا برخی قواعد و اصول دیگر از قبیل «اصالة الطهارة»، یا قاعده «فراغ» و «تجاوز» است. و چون این اصول علمی در جائی جاریست که شکّی در کار باشد و از طرفی موقعی معماآمیز می گردد که یک علم اجمالی و مبهم هم در کار باشد، لهذا در این مسائل فرضی و ساخته شده «شک» و «علم اجمالی» زیاد به گوش می خورد و گاهی در میان این مسائل فرضی، مسائل خوشمزه‌ای فرض می شود که جالب توجه است...

یک بار دیگر هم در تاریخ اسلامی روحیه «مسأله‌سازی» و دنبال مسائل فرضی رفتن پدید آمده و آن در قرن دوم هجری یعنی هنگامی است که در عراق که مکتب رأی و قیاس به وسیله

ابوحنیفه پیشوای معروف یکی از فرقه های اهل تسنن پایه گذاری و برای قبول و سندیت حدیث شرایط زیادی قائل شدند و میدان فعالیت به دست رأی و قیاس افتاد.

در حجاز، گذشته از ائمه اهل بیت علیهم السلام که عمل به قیاس را باطل می دانستند، فقهاء عامه از قبیل مالک بن انس و شاگردانش نیز با قیاس، میانه‌خوبی نداشتند، و چون فقهای عراقی یعنی ابوحنیفه و اتباعش در مسائل فرضی خویش با کلمه «أرأیت» شروع می کردند. فقهای حجاز آنها را «اَرَأَیْتِیُّون» می خواندند. در بعضی از احادیث ما نیز اشاره به این جریان هست و بعضی از ائمه فرموده‌اند: «ما اهل أرَأَیْتَ» نیستیم.

البته بحث در این مطلب از جنبه نظری که آیا روش متأخرین صحیح است یا نه از حدود این مقاله خارج است، آنچه گفته شد فقط به منظور مقایسه بین روش فقهی شخصیت بزرگی است که موضوع مقاله ما است با روش فقهی که غالب متأخرین دارند. معظم له عملا این چنین نبود.

اولاً همانطوری که اشاره کردم به تاریخ فقه آشنا بود و سبک فکرهای مختلف قدما و متأخرین را می شناخت و بعضی را تأیید و نسبت به بعضی انتقاد داشت و آنها را عامل انحراف فقه می دانست.

ثانیاً بر حدیث و رجال حدیث تسلط کامل داشت، طبقات رواة و محدثین را کاملاً می شناخت و خود یک طبقه‌بندی مخصوصی کرده بود که بی سابقه بود. با یک نگاه به سند حدیث اگر خللی در سند آن حدیث وجود داشت درک می کرد.

ثالثاً بر فقه سایر فرق مسلمین و روش و مسلک آنها تا اندازه‌ای محیط بوده، که کتب حدیث و رجال حدیث را می شناخت.

معرفت رجال حدیث شیعه و سنی از یک طرف و اطلاع بر فتاوی و فقه سایر فرق اسلامی از طرف دیگر، موجب می شد که گاه اتفاق می افتاد حدیثی طرح می شد و ابتدا یک معنا و مفهوم از آن بنظر می رسید ولی بعد معظم له تشریح می کرد که این شخصی که این سؤال را از امام کرده اهل فلان شهر یا فلان منطقه بوده و در آنجا مردم، تابع فتوای فلان فقیه از فقهای عامه بوده‌اند و فتوای آن فقیه این بوده است و چون آن شخص در آن محیط بوده و آن فتوا در آن محیط

شایع بوده پس ذهن وی مسبوق به چنان سابقه ای بوده. پس مقصود وی از سؤال این بوده که سؤال کرده و جواب شنیده. وقتی که معظم له این جهات را تشریح می کردو به‌اصطلاح، راوی را تحلیل می کرد می دیدیم که معنی و مفهوم سؤال و جواب عوض می شود و شکل دیگر به خود می گیرد و یا کلمه ای در حدیث بود که در عرف عام امروز یک معنای معین داشت ولی با اظهارات معظم له معلوم می شد که این کلمه در محیط خاصی که در آن وقت محل پرورش سؤال کنندهٔ حدیث بوده معنی دیگری داشته.

با همه تبحری که در اصول فقه داشت کمتر مسائل فقهی را بر مسائل شکیِ اصول، مبتنی می کرد و هرگز گرد مسائل فرضی نمی رفت، گاه به طعنه می گفت که آقایان طلاب منتظرند که یک اصل را گیر بیاورند و دست آویز قرار دهند و به بحث و جدل بپردازند.

با قرآن و تفاسیر آشنائی کامل داشت، قرآن را هر چند به تمامه حافظ نبود اما نیمه حفظ داشت، تاریخ اسلامی را دیده و خوانده و آشنا بود.

در نتیجه همه اینها، جوّ محیطی را که آیات قرآن در آن نازل شده و همچنین جو و محیطی را که اخبار و احادیث در آن صدور یافته و محیط هائی که فقه در آن جاها تدریجاً رشد کرده و پرورش یافته را کاملا می شناخت، و بدیهی است که این جهات به وی روشن‌بینی خاصی داده بود.

سبک و سلیقه معظم له در فکر و سلیقه حوزه علمیه قم زیاد اثر کرد، تا حد زیادی روشها را عوض کرد و امیدواریم هرچه بیشتر سبک و روش ایشان پیروی شود و تعقیب بلکه تکمیل گردد.

این نکته را هم اضافه کنم که معظم له مکرر در ضمن اعتراف پاره‌ای از محاسن کتاب حدیث معروف وسائل الشیعه تألیف شیخ حرعاملی، نواقص این کتاب را تذکر می داد و آرزو می کرد که کتابی در حدیث نوشته شود که محاسن وسائل الشیعه را داشته باشد و اما نواقص آن کتاب را نداشته باشد بالاخره این آرزو جامه عمل پوشید و تحت نظر و مراقبت خود معظم له عده‌ای از فضلای طلاب به این کار مشغول شدند و در حدود ده سال طول کشید تا بالاخره در دو سه سال قبل از وفات ایشان به اتمام رسید.

www.noormags.ir

وحدت اسلامی

یکی از مزایای معظم‌له توجه و علاقه فراوانی بود که به مسألهٔ وحدت اسلامی و حسن تفاهم و تقریب بین مذاهب اسلامیه داشت، این مرد چون به تاریخ اسلام و مذاهب اسلامی آشنا بود می‌دانست که سیاست حکام گذشته در تفرقه و دامن‌زدن آتش اختلاف چه اندازه تأثیر داشته است. و هم توجه داشت که در عصر حاضر نیز سیاستهای استعماری از این تفرقه حداکثر استفاده را می کنند و بلکه آن را دامن می‌زنند، و هم توجه داشت که بعد و دوری شیعه از سایر فِرَق سبب شده که آنها شیعه را نشناسند و دربارهٔ آنها تصوراتی دور از حقیقت بنمایند. به این جهت بسیار علاقه‌مند بود که حسن تفاهمی بین شیعه و سنی برقرار شود که از طرفی وحدت اسلامی که منظور بزرگ این دین مقدس است تأمین گردد و از طرف دیگر شیعه و فقه شیعه و معارف شیعه آنطور که هست به جامعهٔ تسنن که اکثریت مسلمانان را تشکیل می دهند معرفی شود. از حسن تصادف چند سال قبل از زعامت و ریاست معظم‌له که هنوز ایشان در بروجرد بودند. «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیة» به همت جمعی از روشنفکران سنی و شیعه تأسیس شد، معظم‌له در دوره زعامت خود تا حد ممکن با این فکر و با این مؤسسه همکاری کرد، برای اوّلین بار بعد از چندین سال بین زعیم روحانی شیعه، و زعیم روحانی سنی شیخ عبدالمجید سلیم و بعد از فوت او به فاصله دو سه سال شیخ محمود شلتوت مفتی مصر و رئیس جامع ازهر، روابط دوستانه برقرار شد و نامه‌ها مبادله گردید.

قطعاً طرز تفکر معظم‌له و حسن تفاهمی که بین ایشان و شیخ شلتوت بود مؤثر بود در اینکه آن فتوای تاریخی معروف را در مورد به رسمیّت شناختن مذهب شیعه بدهد.

اسلام در دنیای خارج:

از گامهای برجسته ای که در زمان معظم‌له و به وسیلهٔ ایشان برداشته شد اعزام مبلغ و نماینده مذهبی به کشورهای خارجی بود، معرفی اسلام به کشورهای خارجی هراندازه تاکنون صورت گرفته، یا به وسیلهٔ شرق‌شناسان ارو پائی بوده، و یا به وسیله بعضی از دانشجو یان با استعداد مسلمان که تا حدودی موفق شده‌اند فعالیتهائی در مدت اقامت خود در کشورهای

www.noormags.ir

خارجی متمدن بنمایندازقبیل دکترمحمداقبال پاکستانی درمدّتی که در اروپا می زیسته، و یا به وسیله دانشمندان مصری و هندی بوده که بعضی کتابهای جالب در باره اسلام نوشته اند و به زبانهای خارجی ترجمه شده یا به وسیله فرقه های منسوب به اسلام مانند قادیانی ها بوده که در اروپا یا امریکا فعالیتهائی کرده اند و شاید فعالیت دستهٔ اخیر از همه بیشتر بوده است، الآن نمی دانم که تاکنون از طرف دانشگاه مذهبی «ازهر» نمایندگانی به طور رسمی به کشورهای متمدن فرستاده شده یا نه؟ قدر مسلم این است که تاکنون از اسلام یک معرفی صحیحی به دنیای خارج نشده و باز قدر مسلم این است که از طرف جامعه شیعه تا چند سال پیش هیچ گونه اقدامی به هیچ شکل نشده بود.

معظم له که علاوه برجنبه فقاهت، مطالعاتی در متن اسلام و معتقدات اسلامی داشت و اسلام را خیلی بی پیرایه و عریان از توهمات عوامانه پذیرفته بود ازطرفی برخلاف برخی اقران و اسلاف خود از تاریخ قرون جدید و اوضاع عصر حاضر تا حدود نسبتاً خوبی آگاه بود، معتقد بود که اگر حقایق فطری اسلامی بر افکار حقیقت جو و کاوشگر و کم تعصب اروپائی عرضه بشود این دین حنیف را تدریجاً خواهند پذیرفت و روی همین جهت نماینده به آلمان و آمریکا اعزام کرد و در کار اعزام نماینده به لندن و بعضی جاهای دیگر بود که اجل فرا رسید.

البته آنچه تاکنون انجام شده آغاز کار است و نسبت به آنچه باید انجام گیرد طرف مقایسه نیست، اگر فعالیتهای مذهبی مسیحی ها را در نظر بگیریم که چه اندازه توسعه پیدا کرده و از مرحله خطابه و مقاله گذشته، به مرحله عمل و احسان و تبلیغ عملی رسیده و حتی از تعصب و تخریب سایر مذاهب و برگرداندن به مذهب مسیح کاسته شده و جنبه خدمت به بشریت و انسانیت پیدا کرده خواهیم دید که «ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم» ولی اگر نسبت به گذشته خودمان بسنجیم که حتی فکر این کارها در دماغها راه نداشت، خواهیم دید که چه اقدام برجسته ای به وسیله معظم له صورت گرفته است. فریضهٔ ذمهٔ ما شیعیان است که این برنامه را تقویت و تکمیل کنیم و توسعه دهیم.

www.noormags.ir

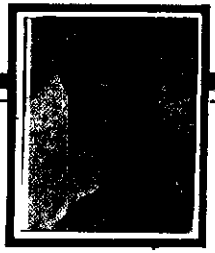

همکاری دین و علم:

یکی از مزایای برجسته معظم له که نمایندهٔ طرز تفکر روشن وی بود علاقه مندی وی به تأسیس دبستانهای جدید تحت نظر سر پرستان متدین بود که دانش آموزان را هم علم بیاموزند و هم دین، معظم له دیانت مردم را در بی خبری و بی اطلاعی و بی سوادی آنها جستجو نمی کرد، معتقد بود که اگر مردم عالم شوند و دین هم به طور صحیح و معقول به آنها تعلیم گردد هم دانا خواهند شد و هم متدین. آن مقداری که من اطلاع دارم مبالغ زیادی از وجوه سهم امام را اجازه داد که صرف تأسیس بعضی ازدبستانها و دبیرستانهابشود در بیلان چاپی دبیرستان کمال نارمک خواندم که مبلغی در حدود هشتصد هزار ریال با اجازه ایشان بابت سهم امام به دفتر آن مدرسه پرداخت شده است، هرچند در بارهٔ مدارس جامعه تعلیمات اسلامی اطلاع دقیقی ندارم اما می دانم کمکهای شایانی کرده است، و حتما موارد دیگر هم هست که من فعلاً بیخبرم. این اقدام معظم له بسیار قابل تحسین است، هرچند این اقدام نیز نسبت به آنچه باید بشود ناچیز است اما با توجه به اینکه درگذشته افرادی بودند و الآن هم وجود دارند که آبادی دین را در خرابی این مدارس و معدوم شدن علوم جدید می دانسته و می دانند معلوم می شود که عمل معظم له بسیار ارزشمند بوده است.

این بود بخشی از گفتار آیت الله مطهري در باره استادش (پس از وفات معظم له).

خصائص اخلاقی

ملکات نفسانی و خصائص اخلاقی مترجم بسیار است که بسط تمامی آن خصلتهای پسندیده درظرفیت این مقال نیست ولذابه فهرستی ازآن خصائص درذیل اشاره می کنیم.

او از دوران جوانی محجوب، دارای طبع بلند، نیّت خالص، درس خوان و متواضع بوده است، تواضع ایشان نسبت به استادان خود و فرزندان و بستگان آنان و خضوع ایشان نسبت به بزرگان علماء حتی معاصرینش فوق العاده و حیرت آور بوده است.

آن مرحوم همواره بستگان وخو یشاوندان خودرا مورد تفقد قرار می داد و نیاز نیازمندان را شخصاً

www.noormags.ir

برآورده می ساخت، در اطاق کتابخانه خودنمی خوابید(تابه کتب احترامی نشود)،نشر کتب پیشینیان را بر کتابهای خود مقدم می داشت، اوقات خویش را بیهوده تلف نمی کرد و بسیار پر مطالعه بود. درخوراک و پوشاک فوق العاده ساده بود و بر همان سفره‌ای غذا می خورد که همگان حتی خدمتکاران بیت نیز حضور داشتند. در امور دین و پیشرفت آن علاقه وهمت خاصی داشت، بعد از رسیدن به مرحلهٔ رفیع مرجعیت مطلقه جهان تشیع هیچ تغییری در وضع زندگی ایشان نسبت به قبل از این دوران، مشاهده نگردید، و در طول عمرشان همان‌طور که خود در ضمن نامه‌ای مرقوم داشته‌اند، از پادشاهان و صاحب منصبان، هدیه‌ای نمی پذیرفتند و از مداحان چاپلوس و متملق خوششان نمی‌آمد و طبق اظهار یکی از افاضل حوزه علمیّهٔ قم آن مرحوم در درس بگونه‌ای گفتار مخالفین را توضیح می‌داد و تقوای در نقل داشت که شنونده گمان می کرد، ایشان آن نظریه را قبول دارند و آنگاه ضمن احترام فراوان برای قائل آن، مطالب را با استدلال قوی رد می کرد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

افول خورشید:

چند روز قبل از فوت مرحوم آیت الله بروجردی، عده‌ای خدمت ایشان می رسند در حالی که آقا را خیلی ناراحت می بینند.

آقا در چنین حالتی می گوید:خلاصه، عمر ما گذشت، و ما رفتیم و نتوانستیم چیزی برای خود از پیش بفرستیم و عمل با ارزشی انجام دهیم.

یک نفر از حضار گفت: آقا شمادیگر چرا؟! ما بیچاره‌ها باید این حرف را بزنیم. شما چرا؟ بحمدالله شما این همه آثار خیر از خود باقی گذاشته اید، این همه شاگردتربیت کرده اید این همه کتبی که به یادگارنهاده اید، مسجدی با این عظمت ساخته اید، مدرسه ها در کجا و کجا بنا کرده اید...

وقتی سخنش تمام شد، مرحوم آیت‌الله بروجردی جمله‌ای را که ظاهراً حدیث قدسی است فرمودند: خَلِّصِ الْعَمَلَ فَإِنَّ النَّاقِدَ بَصِيرٌ بَصِير و با این جمله همهٔ حضّار را منقلب کردند.

www.noormags.ir

سرانجام پس از سالها تدریس، تبلیغ، تربیت طلاّب، تقویت حوزه و تأسیس و دستور تعمیر بناهای خیریه و تألیف و تدوین و تحقیق در زمینه های مختلف علوم، این ستاره فروزان، در روز ۱۳ ماه شوال المکرم سال ۱۳۸۰ هجری مطابق با ۱۰ فروردین ۱۳٤۰ هـ.ش از آسمان حرم اهل بیت (ع) افول کرد و در سن نود و سه سالگی جهان فانی را وداع گفت و جهانیّ را در عزای خود داغدار ساخت. در این روز، عزا و تعطیل عمومی اعلام شد و دهها هزار نفر از شهرهای مختلف، برای شرکت در مراسم تشییع به قم شتافتند و با تجلیل و مراسمی بی سابقه پیکر پاک و مطهرش را مشایعت و در مسجد اعظم قم به خاک سپردند.

هم اکنون مرقد شریف این بزرگوار زیارتگاه شیعیان و دانش دوستان است.

در پایان، این یادآوری لازم است که تاکنون چند کتاب و جزوه مستقل در شرح حال آیت‌الله بروجردی نوشته شده و کسانی که بخواهند از خصوصیّات و ابعاد مختلف زندگی ایشان بیشتر آگاه شوند می‌توانند از آن کتابها استفاده کنند، زیرا مقصود از ما در اینجا فقط ذکر مختصری از شرح حال ایشان بوده است.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بقیه از صفحهٔ ۳

مسائل دستگاه قضائی، دانشگاهها، آموزش وپرورش وکاروکارخانه‌ها در ردیفهای بعدی قرار دارند، امیدواریم مسؤولین این دستگاهها همچنان برای حاکمیت قانون و حق و عدالت و پیشگیری از رشد بی‌نظمی، کم کاری و بی تفاوتی نسبت به ارزشهای انقلاب تلاش بیشتری داشته باشند.

از خداوند بزرگ توفیق همه دست‌اندر کاران نظام جمهوری اسلامی ایران را خواهانیم.

www.noormags.ir